



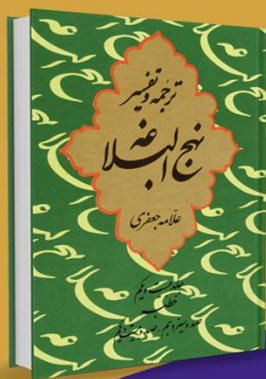
ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب هدایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

وصیت نامه سیاسی، الهی امام خمینی (ره)، صفحه ۶



سخن امیرالمومنین نهج البلاغه است؛ فصیحترین کلام آدمی در میان عرب، «نهج البلاغه» اوج هنر و اوج زیبایی است؛ زیبایی لفظ و زیبایی معناست. انسان مبهوت می‌ماند! هیچ شاعر بزرگ عرب، هیچ نویسنده‌ی هنرمند عرب، نتوانسته بگوید که من از مراجعه‌ی به نهج البلاغه بی‌نیازم.

۱۳۷۸/۱/۱۰



عَلَيْهِ السَّلَام

نهج البلاغه بخوانیم...



رهبر انقلاب اسلامی:

«نهج البلاغه اوج هنر و اوج زیبایی است؛ زیبایی لفظ و زیبایی معناست. انسان مبهوت می‌ماند! هیچ شاعر بزرگ عرب، هیچ نویسنده‌ی هنرمند عرب، نتوانسته بگوید که من از مراجعه‌ی به نهج البلاغه بی‌نیازم.»

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران)



- ۳ نهج البلاغه و علوم طبیعی
- ۵ نهج البلاغه
- ۶ نحوه تشکیل جو زمین از دیدگاه اجماع المومنین (اجام عای علیهم السلام)
- ۸ انسان شناسی از دیدگاه اجام خمینی
- ۱۰ مصاحبه ای کوتاه در ارتباط با نهج البلاغه با دکتر نعمت‌اللهی
- ۱۱ ترجمه نصوص از دیدگاه نهج البلاغه
- ۱۲ علم و دانش از دیدگاه اجام عای علیهم السلام
- ۱۳ جدول نشریه

سخن سردبیر

کتاب نهج البلاغه هنگامی که در کنار قرآن قرار گیرد، یقیناً تالی قرآن است؛ یعنی ما دیگر کتابی نداریم که دارای این حد از اعتبار و جامعیت و قدمت باشد؛ به همین خاطر احیای نهج البلاغه تنها وظیفه شیعیان نیست؛ بلکه وظیفه همه مسلمانان است، همه مسلمانان به عنوان احیای یک میراث بی نظیر اسلامی باید نهج البلاغه را زنده کنند. در آن شکی نیست که امام علی (ع) به نهج البلاغه روح بخشیده است، و برای تعلیم و تربیت ما خفنگان در بستر منیت و در حجاب خود خواهی است.

احیا کردن آن نه تنها به معنای کثرت چاپ - که خوب زیاد هم چاپ شده - بلکه به معنای تحقیق در آن است؛ هم چنانکه روی قرآن کریم تحقیق شده، تفسیرهای زیادی نوشته شده است، روی نهج البلاغه هم باید این تحقیقات انجام گیرد، همان طوری که قرآن خوانده می شود نهج البلاغه هم باید خوانده شود؛ چون تالی قرآن است؛ همان طوری که مسلمانان خودشان را موظف می دانند که با قرآن انس پیدا کنند و ندانستن قرآن را برای خود نقص می شمارند، ندانستن نهج البلاغه هم باید نقص به حساب بیاید.

آن چه در بالا گذشت، بهانه ای شد تا نشریه علمی دانشجویی فخرا به مطالب علمی در حوزه علوم قرآن و حدیث مرتبط با نهج البلاغه بپردازد. در این شماره از نشریه برآنیم که در ابتدا درباره نهج البلاغه و ماهیت کلی آن اطلاعاتی کسب کرده و در ادامه به برخی موضوعات تربیتی آن پرداخته و با یکی از اساتید گرانقدر در این رابطه مصاحبه ای انجام شده است، باشد که مطالب این نشریه برای خوانندگان مفید واقع گردد.

امیر المومنین امام علی (علیه السلام) اولین امام و پیشوای مسلمانان، صاحب مقام و منزلتی است که در کلام نمی‌گنجد. همراه همیشگی رسول خدا (ص) و آموزنده علوم ایشان بود هاند؛ هر چند کلام امام علی (علیه السلام) منحصر به شخصیت والای ایشان است. نهج البلاغه مجموعه‌های از سخنان گهربار حضرت، نمونه‌ای از کلام منحصر به فردی است که در کتابی گرد آمده در حالی که کلام و فیوضات امام علی (علیه السلام) محدود به این کتاب پر ارزش نیست. در نهج البلاغه و خطبه‌های حضرت از تمامی امور مربوط به دنیا و عقبی از معرفت الهی تا شناخت انسانی، از شناخت طبیعت و ماورای طبیعت، موجودات زنده و ستارگان و آسمان‌ها صحبت به میان آمده و حضرت امام علی (علیه السلام) به بهترین شکل و معجزه‌وار بسیاری از شگفتی‌های آفرینش را برای مردم زمان خویش و این زمان بیان کرده‌اند. حضرت با بیان آفرینش آسمان‌ها، ستارگان، زمین، حیوانات خشکی و دریا و انسان‌ها به گوشه‌ای از قدرت باری تعالی و شگفتی‌های خلقت در طبیعت اشاره کردند که همگی می‌توانند موجب شناخت بهتر و دقیق‌تر خداوند و آفریدگار این مخلوقات باشد آن گونه که خدا خود می‌گوید: فتبارک الله احسن الخالقین. از دیگر اهداف مطالعه در طبیعت و موجودات این است که آدمی از غرور و تکبر خود بکاهد و بداند که در برابر خالق این همه عظمت، منیت نداشته باشد. آن انسانی که به فرموده امام در ابتدای نطفه‌های ناچیز و در انتها مرداری گندیده است. (حکمت ۴۵۴) در این نوشتار قصد داریم سخنان حضرت امیر (علیه السلام) در نهج البلاغه را پیرامون طبیعت و علوم طبیعی همچون انسان، حیوانات و پرندگان جمع‌آوری کرده و شرح مختصری از آن‌ها ارائه دهیم. در بیان و توضیح اولین نمونه، شگفتی خلقت جنین انسان را در رحم مورد بررسی قرار می‌دهیم. در (خطبه ۱۶۳) پس از شروع خطبه با حمد و سپاس الهی به عنوان آغاز کلام، به وصف آفرینش و پس از آن بیان ویژگی جنین انسان در رحم سخن به میان آمده؛ در این جا صحبت از تاریکی‌های رحم است که در قرآن کریم سوره زمر آیه ۶ نیز اشاره به آن شده و نیز خلقت ابتدایی آدم از گل. در پایان خطبه حضرت می‌فرماید: (کسی که نمی‌تواند انسان دارای شکل قابل رویت را توصیف کند، از توصیف خالق همه اینها و ارتباط خدا با همه این آفریده‌ها ناتوان تر است). بخشی از (خطبه ۱۶۳): (أَيُّهَا الْمَخْلُوقُ السَّوِيُّ وَالْمُنْشَأُ الْمَرْعِيُّ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَمُضَاعَفَاتِ الْأَسْتَارِ، بَدُنْتُ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ وَ وُضِعْتُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ وَأَجَلٍ مَقْسُومٍ، تَمُورٌ فِي بَطْنِ أُمِّكَ جَنِينًا، لَا تُجِيرُ دَعَاءٌ وَلَا تَسْمَعُ نِدَاءٌ، ثُمَّ أُخْرِجَتْ مِنْ مَقْرَكٍ إِلَى دَارٍ لَمْ تَشْهَدْهَا وَلَمْ تَعْرِفْ سَبُلَ مَنَافِعِهَا. فَمَنْ هَذَا كَلَّا جُتْرَارِ الْغَدَاءِ مِنْ نُدَى أُمِّكَ وَعَرَفَكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ مَوَاضِعَ طَلَبِكَ وَإِرَادَتِكَ؟ هَيْهَاتَ، إِنَّ مَنْ يَعْجَزُ عَنِ صِفَاتِ ذِي الْهَيْبَةِ وَالْأَدْوَاتِ فَهُوَ عَنِ صِفَاتِ خَالِقِهِ أَعْجَزُ وَمَنْ تَنَاوَلَهُ بِحُدُودِ الْمَخْلُوقِينَ أَبْعَدُ). (ای انسان، ای آفریده راست قامت، ای پدیده نگهداری شده در تاریکی‌های رحم‌های مادران، و قرار داده شده در پرده‌های تو در تو، آغاز آفرینش تو از گل و لای بود و سپس در جایگاه آرامی نهاده شدی تا زمانی مشخص و سر آمدی تعیین شده؛ و آن گاه که در شکم مادر حرکت می‌کردی، نه دعوتی را می‌توانستی پاسخ دهی و نه صدایی را می‌شنیدی. سپس تو را از قرار گاهت بیرون کردند و به خانه‌ای آوردند که آن را ندیده بودی و راه‌های سودش را نمی‌توانستی، پس چه کسی تو را در مکیدن شیر از پستان مادر هدایت کرد و به هنگام نیاز جایگاه‌های طلب کردن و خواستن را به تو شناساند؟ هرگز، آن کس که در توصیف پدیده‌ای با شکل و اندازه و ابزار مشخص در مانده باشد؛ بدون تردید از وصف پروردگارش ناتوان تر، و از شناخت خدا با حد و مرز پدیده‌ها دور تر است). در (خطبه ۱۸۵) حضرت یکی از راه‌های شناخت معرفت الهی را تفکر در بزرگی قدرت و نعمت خدا بیان می‌کند و از این رو به آفرینش موجودات کوچک و بزرگ اشاره دارد که آفرینش مورچه با آن کوچکی که چه محکم و استوار است؛ همین موجود کوچک دارای چشم و گوش است، استخوان و پوست دارد و...



(الَّذِي يَنْظُرُونَ إِلَى صَغِيرٍ مَّا خَلَقَ كَيْفَ أَحْكَمَ خَلْقَهُ وَاتَّقَنَ تَرْكِيْبَهُ وَفَلَقَ لَهُ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَسَوَّى لَهُ الْعَظْمَ وَالْبَشِيرَ؟ انظُرُوا إِلَى التَّمَلُّةِ فِي صَعْرِ جَنْبِهَا وَلَطَافَةِ هَيْئَتِهَا لَا تَكَادُ تُنَالُ بِلِحْظِ الْبَصَرِ وَلَا بِمَسْتَدْرِكِ الْفِكْرِ. كَيْفَ دَبَّتْ عَلَيَّ أَرْضِيهَا وَصَبَّتْ عَلَيَّ رِزْقَهَا، تَنْقُلُ الْحَبَّةَ إِلَى جُحْرِهَا وَتُعْدُّهَا فِي مُسْتَقَرِّهَا؛ تَجْمَعُ فِي حَرِّهَا لَبِزَ دَهَاوٍ فِي وَرْدِهَا لَصَدْرِهَا؛ مَكْفُولٌ بِرِزْقِهَا مَرْزُوقَةٌ بِوَفْقِهَا. لَا يُغْلِبُهَا الْمَنَانُ وَلَا يَحْرِمُهَا الدَّبَّانُ، وَلَوْ فِي الصَّفَا الْيَابِسِ وَالْحَجَرِ الْجَامِسِ وَلَوْ فَكَّرْتَ فِي مَجَارِي أَكْلِهَا أَوْ فِي عُلُوِّهَا وَسَفْلِهَا وَمَا فِي الْجَوْفِ مِنْ شَرِّ اسِيفِ بَطْنِهَا وَمَا فِي الرَّأْسِ مِنْ عَيْنَيْهَا وَأُذُنَيْهَا لَقَضَيْتَ مِنْ خَلْقِهَا عَجَبًا وَلَقَبْتُ مِنْ وَصْفِهَا تَعْبًا. فَتَعَالَى الَّذِي أَقَامَهَا عَلَيَّ قَوَائِمَهَا...)

آیا به مخلوقات کوچک خدانمی نگرند که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید و ترکیب اندام آن را برقرار و گوش و چشم برای آن پدید آورد و استخوان و پوست متناسب خلق کرد. به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی شود، نگاه کنید چگونه روی زمین راه می رود؛ و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می کند و دانه ها را به لانه خود منتقل می سازد و در جایگاه مخصوص نگاه می دارد. در فصل گرم برای زمستان تلاش کرده و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی کند. روزی مورچه تضمین گردیده و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است. خداوند منان از او غفلت نمی کند و پروردگار پاداش دهنده محروم نمی سازد؛ گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره های خشک باشد. اگر در مجاری خوراک و قسمت های بالا و پایین دستگاه گوارش و آن چه در درون شکم او از غضروف های آویخته به دنده و شکم و آن چه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه نمایی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد. پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش بر پاداشت و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت و در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده ای کمکش نکرد. و نیز در همین خطبه در باره ملخ می فرماید: (وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ فِي الْجَرَادَةِ إِذْ خَلَقَ لَهَا عَيْنَيْنِ حَمْرًا وَبَيْنَ وَأَسْرَجَ لَهَا حَدَقَتَيْنِ قَمْرًا وَبَيْنَ وَجَعَلَ لَهَا السَّمْعَ الْخَفِيَّ وَفَتَحَ لَهَا الْفَمَ السَّوِيَّ وَجَعَلَ لَهَا الْحِسَّ الْقَوِيَّ وَنَابِئِنِ بَيْهَمًا تَقْرُضُ وَمَنْجَلَيْنِ بَيْهَمًا تَقْبِضُ؛ يَرْهَبُهَا الزَّرْعُ فِي رِزْقِهِمْ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ دَبَّهَا وَلَوْ أَجْلَبُوا بِجَمْعِهِمْ، حَتَّى تَرِدَ الْحَرَّتُ فِي نَزْوَانِهَا وَتَتَقَضَى مِنْهُ شَهْوَانِهَا، وَخَلَقَهَا كُلَّهُ لَا يَكُونُ إِضْبَعًا مُسْتَدِقَةً). و اگر خواهی در شگفتی ملخ سخن بگو که خدا برای او دو چشم سرخ، دو حدقه چو نان ماه تابان آفرید و به او گوش پنهان و دهانی متناسب اندامش بخشیده است؛ دارای حواس نیرومند و دندان پیشین است که گیاهان را می چیند، دو پای داس مانند که اشیاء را بر می خورد. در حالی که تمام اندامش به اندازه یک انگشت بار یک نیست. در (خطبه ۱۶۵) شگفتی پرندگان و مخصوصاً طاووس را به زیبایی و دقت تمام ذکر کرده اند. امام (علیه السلام) در این خطبه بیان می کند بار داری طاووس از طریق اشک چشم خرافه ای بی اساس است و نمونه دیگر نیز بار داری زاغ است که هر دورا گفته اند بدون لقا و آمیزش بار دار می شوند. اما حضرت در این خطبه به افسانه بودن آن ها اشاره دارد: (أَحْيَيْكَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَعَانِيَةٍ لَا كَمَنْ يُحْيِي عَلَى ضَعِيفِ إِسْنَادِهِ وَلَوْ كَانَ كَرِزَمٍ مِنْ بَرَعَمٍ أَنَّهُ يَلْقَحُ بِدَمْعِهِ تَسْفَحُهَا مَدَامِعُهُ فَتَقِفُ فِي صَفْتِي جُفُونِهِ وَأَنْ أَتَأْتُهُ نَطْعَمُ ذَلِكَ ثُمَّ تَبْيِضُ لَأَمِنْ لِقَاحِ فَحْلِ سَوَى الدَّمْعِ الْمُنْبَجِسِ، لَمَّا كَانَ ذَلِكَ بِأَعْجَبٍ مِنْ مُطَاعِمَةِ الْغُرَابِ). این حقیقت را از روی مشاهده می گویم نه چون کسی که بر اساس نقل ضعیفی سخن بگوید، اگر کسی خیال کند: «باردار شدن طاووس به وسیله قطرات اشکی است که در اطراف چشم تر حلقه زده و طاووس ماده آن را می نوشد؛ آنگاه بدون آمیزش با همین اشک ها تخم گذاری می کند»، افسانه ای بی اساس است. ولی شگفت تر از آن نیست که می گویند: «زاغ تر طعمه به متقار ماده می گذارد که همین عامل باردار شدن زاغ است». از دیگر ویژگی های طاووس که در این خطبه بیان شده، بدین شرح است:



کاشان، پایتخت نهج البلاغه ایران

وَلَهُ فِي مَوْضِعِ الْعَرْفِ فُنُزَعَةٌ خَضْرَاءُ مُوشَّاءُ وَمَخْرَجُ عُنُقِهِ كَالْإِبْرِيْقِ وَمَعْرُزُهَا إِلَى حَيْثُ بَطْنُهُ كَصَبْغِ الْوَسْمَةِ الْيَمَانِيَّةِ أَوْ كَحَبْرٍ بَرَّةٍ مُلْبَسَةٍ مِرْآةً ذَاتَ صَقَالٍ وَكَأَنَّهُ مَتَلَفَعٌ بِمِعْجَرٍ أَسْحَمٍ، إِلَّا أَنَّهُ يُخْبِلُ لِكثْرَةِ مَائِهِ وَشَدَّةِ بَرِّقِهِ أَنَّ الْخَضِرَةَ النَّاصِرَةَ مُمْتَزِجَةً بِهِ وَمَعَ فَتْحٍ سَمِعِهِ حَطَّ كَمُسْتَدَقِّ الْقَلَمِ فِي لُونِ الْأَفْحْوَانِ أَبْيَضُ يَقْقُ فَهُوَ بَيِّنَاضُهُ فِي سَوَادٍ مَا هُنَالِكَ يَأْتَلِقُ وَقَلَّ صَبْغُ الْإِلَاقِ وَقَدْ أَخَذَ مِنْهُ بِقِسْطٍ وَعَلَاةً بَكْتَرَةً صَقَالَهُ وَبَرِّقَهُ وَبَصِيصٌ دِيْبَاجُهُ وَرَوْنَقُهُ، فَهُوَ كَالْأَزْهَرِ الْمُبْتُوثَةِ لَمْ تَرْتَبْهَا أَمْطَارُ رَبِيعٍ وَلَا شُمُوسٌ قَيْظٍ وَقَدْ يُنْحَسِرُ مِنْ رِيْشِهِ وَيَعْرِى مِنْ لِبَاسِهِ فَيَسْقُطُ تَتْرَى وَيَنْبُتُ تَبَاعُفِيْنَحَتْ مِنْ قَصْبِهِ انْحَتَاتٍ أَوْ رَاقِ الْأَعْصَانِ ثُمَّ يَتَلَاخِقُ نَامِيَا حَتَّى يَعُودَ كَهَيْئَتِهِ قَبْلَ سَقُوطِهِ لَا يَخَالِفُ سَالْفَ الْوَانِهِ وَلَا يَقَعُ لُونٌ فِي غَيْرِ مَكَانِهِ، وَإِذَا تَصَفَّحَتْ شَعْرَةٌ مِنْ شَعْرَاتِ قَصْبِهِ أَرْتَكَ حُمْرَةً وَرْدِيَّةً وَنَارَةً خَضِرَةً زَبْرَجْدِيَّةً وَأَحْيَانًا صُفْرَةً عَسْجَدِيَّةً.

بر فراز گردن طاووس به جای پال، کاکلی سبزرنگ و پر نقش و نگار روید و بر آمدگی گردنش چونان آفتاب های نفیس و نگار بن است و از گلوگاه تاروی شکمش به زیبایی و سوسه یمانی رنگ آمیزی شده؛ یا چون پارچه حریر بزاق یا آیین های شفاف که پرده بر روی آن افکندند. در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده که چون رنگ آن شاداب و بسیار می باشد؛ بنداری با رنگ سبز تندی در هم آمیخته است که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد. کم تر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه هاش آن را جلای بر تری نداده باشد. طاووس چونان شکوفه های پراکنده های است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندانی نیست و شگفت آور آن که هر چند گاهی از پوشش پره های زیبا بیرون می آید و تن عربان می کند، پره های او پیایی فرو می ریزد و از نومی رویند. پره های طاووس چونان برگ خزان رسیده می ریزند و دوباره رشد می کنند و به هم می پیوندند تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را باز می یابد بی آنکه میان پره های نوور یخته شده تفاوتی وجود داشته باشد یا رنگی جابه جابروید. اگر در تماشای یکی از پره های طاووس دقت کنی، لحظه ای به سرخی گل، و لحظه ای دیگر به سبزی زبرجد و گاه به زردی زرناب جلوه می کند. در (خطبه ۹۱) که یکی از طولانی ترین خطبه های حضرت است موضوعات متنوع بیان شده. در بخشی از خطبه وصف زیبایی های طبیعت است که همگی آن ها باعث شناخت بهتر خدا و اطاعت و عبودیت بیش تر بندگان می شود: (فَهِيَ تَبْهِيحُ بِزَيْنَةِ رِيَابِهَا وَ تَزْدَهِي بِمَا أَلْبَسَتْهُ مِنْ رِبَاطِ أَزْهَرِهَا وَ حَلِيَّةِ مَا سَمِطَتْ بِهِ مِنْ نَاصِرِ أَنْوَارِهَا وَ جَعَلَ ذَلِكَ بَلَاغًا لِلْأَنَامِ وَ رِزْقًا لِلْأَنْعَامِ وَ حَرَقَ الْفَجَاجَ فِي آفَاقِهَا وَ أَقَامَ الْمَنَارَ لِلسَّالِكِينَ عَلَي جَوَادِطِرِ قِهَا).

پس زمین به وسیله باغ های زیبا همگان را به سرور و شادی دعوت کرده؛ با لباس نازک گل برگ ها که بر خود پوشید، هر بیننده های را به شگفتی واداشت. باز بنت و زیوری که از گلوبند گل های گوناگون فخر کنان خود را آراست، هر بیننده های را به وجد آورد که فر آورده های نباتی را توشه و غذای انسان و روزی حیوانات قرار داد. در گوشه و کنار آن دره های عمیق آفرید و راه ها و نشانه ها برای آنان که بخواهند از جاده های وسیع آن عبور کنند، تعیین کرد. هر چند با بیان بخش کوچکی از نهج البلاغه نمی توان به ژرفای علمی خالق آن پی برد و حتی نمی توان در این جا توقف نمود، اما در پجهای است به سوی کلام پر از معجزات حضرت امیر برای شناخت خداوند عبودیت خالصانه تر الهی. امید است که همین مطالب باعث راه یافت و بندگان خداوند و پیروان آن حضرت به سوی کمال گردد.

نهج البلاغه

■ نهج البلاغه
زینب حاجیان پور
کارشناسی ارشد علوم قرآنی (اعجاز)

«سید رضی» فرزند حسین طاهر ذی المناقب و برادر سید مرتضی در سال ۹۵۳ هجری در بغداد متولد و در ۶۰۴ در همانجا در گذشت. سید رضی و سید مرتضی تحصیلات خود را در محضر دانشمند بلند آوازه آن زمانی یعنی شیخ مفید گذراندند. اما بیشتر در زمینه فقه از شیخ مفید بهره گرفته اند. مهمترین کتابی که باعث شهرت سید رضی گشت کتاب نهج البلاغه بوده که شامل سخنان امام علی در سه بخش است:

بخش اول شامل ۱۶۲ خطبه است که امام در بسیاری از خطبه ها، مردم را به انجام دستورات الهی و ترک محرمات دعوت کرده و در بخش دوم آن که شامل ۹۳ نامه که در بخشی از آنها نامه امام به فرمانداران خود است که آنها را به رعایت حق مردم دستور داده است و بخش سوم آن شامل ۶۸۰ سخنان قصار آن حضرت میباشد. دلیلی شهرت این کتاب در میان فرهیختگان، گزینش زیبا و چینش مناسب سخنان امام علی در این کتاب است که آنرا نسبت به سایر کتاب ها متمایز ساخته است. سید رضی در دوران جوانی خود کتابی به نام خصائص الاثمه را با هدف گردآوری فضیلت های پیشوایان دین و ارائه گلچینی از گوهر های گفتار معصومین آنرا تدوین کرد اما به دلیل مشغله های زیاد این اثر ناتمام ماند و تنها بخش «ش مربوط به امام علی به همراه سخنان قصار، مثل های شگفت انگیز و حکمت های آن حضرت سامان یافت که با تشویق دوستانش به خاطر این اثر نفیس روبرو شد. با توجه به گفتار شریف رضی در مقدمه کتاب، طرح اولیه نهج البلاغه را میتوان در محور های زیر خلاصه کرد:

۱_ تنوع در موضوع: در این کتاب موضوعات مختلفی از جمله اخلاق، سیاست، فقه، حقوق و... کار شده است، به گونه ای که میگویند گفتاری از همه فنون است.



بلاغت

۲_ گوناگونی در ساختار: شریف رضی در جمله «همه انواع سخن او اعم از خطبه ها، نامه ها، مواعظ، و آداب» به بیان روش خود میپردازد.

۳_ فصاحت و بلاغت: فصاحت یعنی شیوا سخن گفتن و بلیغ کسی است که در گفتن سخن شیوا، رعایت حال شنونده را بنماید و به شرایط زمانی و مکانی توجه داشته است و بر اساس میزان دریافت شنونده، سخن را مختصر و یا مفصل عرض کند و به کلامی دیگر، کلام بلیغ، کلام تاثیر گذار است به گونه ای که بر جان مخاطب بنشیند... از مقدمه سید رضی میتوان به این نتیجه رسید که محور اصلی گردآوری گفتار مثلاً فصاحت و بلاغت بوده و میتوان فهمید که نگرشی این گونه، در پاره ای موارد کاستی هایی به دنبال داشته است. شریف رضی با این معیار شروع به گزینش سخنان کرده و در پاره ای از موارد قسمتی از کلام را آورده و قسمت دیگر را وامیگذارد که این کار باعث از هم گسستگی محتوای کلام میشود. در اعتبار نهج البلاغه تردیدهایی وجود دارد که یکی از موارد شبهه در اعتبار مطالب نهج البلاغه روایات مرسل آن است و مرسل یعنی رها شده و در اصطلاح علم حدیث به حدیثی گفته میشود که راوی آن معصوم را درک نکرده باشد؛ خواه واسطه به معصوم یک نفر باشد خواه چند نفر. وجود سلسله حدیث در این کتاب هر چند باعث استحکام کتاب میشود اما این را هم باید در نظر گرفت که سید رضی به دنبال تالیف کتابی حدیثی یا فقهی نبوده است. کتاب شریف رضی راهنمای بلاغت است و در آثار ادبی نیاوردن نام راویان خللی به مقصود آن وارد نمیکند، زیرا سید رضی آنرا در مقام یک محدث رجالی این کتاب را تالیف نکرده است تا نیاوردن سند، موجب کم و کاستی آن شود.

نهج البلاغه

نحوه تشکیل جو زمین از دیدگاه امیر المومنین امام علی (علیه السلام)

مریم سادات معینی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی (اعجاز)

که اسلام اهمیتی به آموختن علم و دانش نداده است در صورتی که با دقت در منابع معتبر اسلامی که در رأس آن ها قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه می باشد، این تفکر نادرست کاملاً از بین می رود. اسلام به دنیایی که وسیله بهره برداری و رسیدن به آخرت که محل زندگانی ابدی بشریت می باشد، اهمیت داده است. از جمله علوم تجربی که در اسلام در مورد آن نظرات بسیار مهمی بیان شده و مسئله نحوه تشکیل جو زمین است که نهایتاً به خداشناسی ختم می شود. در این نوشتار سعی شده تا به دیدگاه امیر المومنین (علیه السلام) در خصوص نحوه تشکیل جو زمین در نهج البلاغه بپردازیم.

در کلام حضرات معصومین (علیه السلام) همواره روشنائی و برکت دیده می شود. این بزرگواران در همه موارد پیرامون بشریت نظرات و پیش گویی هایی داشته اند که همواره بشر خاصه در اعصار بعدی از این بیانات بسیار شگفت زده می شود که راه گشای زندگی دنیوی و اخروی او بوده و هست و خواهد بود. اهمیت به علم و دانش همواره مورد توجه اسلام و قرآن و حضرات معصومین (علیه السلام) بوده است. اسلام بارها به اهمیت علم و دانشی که بشریت را به سعادت دنیا و آخرت برساند و آموختن این دانش کار ساز، تاکید دارد؛ اما با وجود تاکید اسلام بر آموختن دانش، بعضی از افراد فکر می کنند

نکته: در این نوشتار از ترجمه‌ی بسیار ارزشمند مرحوم استاد محمد دشتی، مترجم بزرگوار نهج البلاغه استفاده شده است.

مقام معظم رهبری در خصوص تجلیل از استاد دشتی می‌فرماید: (احترام به حجت الاسلام والمسلمین مرحوم آقای دشتی، احترام به اسلام، امیر المومنین و نهج البلاغه است). همین تعریف بسیار با محتوا، نشان دهنده عظمت ترجمه‌ی فوق می‌باشد. انشاء الله که همه زحمات در راه ترویج فرهنگ نهج البلاغه، مقبول در گاه الهی و امام زمان (علیه السلام) قرار گیرد. در قسمتی از خطبه اول نهج البلاغه، امیر المومنین (علیه السلام) در خصوص آفرینش جهان می‌فرماید: (خدای سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید). و در آن آبی روان ساخت، آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود، که یکی بر دیگری می‌نشست. آب را بر بادی طوفانی و شکننده نهاد و باد را به بازگرداندن آن فرمان داد و به نگهداری آب مسلط ساخت و حد و مرز آن را به خوبی تعیین فرمود. فضا در زیر تند باد و آب بر بالای آن در حرکت بود، سپس خداوند سبحان طوفانی برانگیخت که آب را متلاطم ساخت، و امواج آب را پی در پی در هم کوبید.

(پایان خطبه اول)

در قسمتی از (خطبه‌ی ۹۱) نهج البلاغه نیز، امیر المومنین (علیه السلام) در خصوص چگونگی تشکیل آفرینش آسمان‌ها و تشکیل جوی می‌فرماید: فضای باز و پستی و بلندی و فاصله‌های وسیع آسمان‌ها را بدون این که بر چیزی تکیه کند، نظام بخشید و شکاف‌های آن را به هم آورد، و هر یک را با آن چه که تناسب داشت و جفت بود، پیوند داد و دشواری فرود آمدن و برخاستن را بر فرشتگانی که فرمان او را به خلق رسانند یا اعمال بندگان را بالا برند آسان کرد.

در حالی که آسمان به صورت دود و بخار بود به آن فرمان داد، پس رابطه‌های آن را برقرار ساخت و سپس آن‌ها را از هم جدا کرد و بین آن‌ها فاصله انداخت و بر هر راهی و شکافی از آسمان، نگهبانی از شهاب‌های روشن گماشت و با دست قدرت آن‌ها را از حرکت ناموزون در فضا نکه داشت و دستور فرمود تا بر آبر فرمائش تسلیم باشند و بعد در فضای هر آسمان فلک آن را آفرید و زینت‌ی از گوهرهای تابنده و ستارگان در خشنده بیاراست. سپس خداوند سبحان برای سکونت بخشیدن در آسمان‌ها و آباد ساختن بالاترین قسمت از ملکوت خویش، فرشتگانی شگفت آفرید و تمام شکاف‌ها و راه‌های گشاده آسمان‌ها را با فرشتگان پر کرد و فاصله جو آسمان را از آن گاه هیچ بلندی از بلندی‌های زمین را که آب چشمه‌ها و نهرها به آن راه ندارد و انگذاشت بلکه ابرهایی را آفرید تا قسمت‌های مرده آن احیا شود و گیاهان آن گاه هیچ بلندی از بلندی‌های زمین را که آب چشمه‌ها و نهرها



نهرها به آن راه ندارد و انگذاشت بلکه ابرهایی را آفرید تا قسمت‌های مرده آن احیا شود و گیاهان رنگارنگ برویند. قطعات بزرگ و پراکنده ابرها را به هم پیوست تا سخت به حرکت در آمدند و بابه هم خوردن ابرها، برق‌ها در خشیدن گرفت و از در خشندگی ابرهای سفید کوه پیکر و متراکم چیزی کاسته نشد. ابرها را پی در پی فرستاد تا زمین را احاطه کردند و پادشاه شیر باران را از ابرها دوشیدند و به شدت به زمین فرو ریختند. ابرها پایین آمده سینه بر زمین ساییدند و آن چه بر پشت داشتند فرو ریختند که در بخش‌های بی‌گیاه زمین انواع گیاهان روئیدن گرفت و در دامن‌های کوه‌ها، سبزه‌ها پدید آمد.

(پایان خطبه ۹۱)

در قسمت اول خطبه ۱۷۱ نهج البلاغه، امیر المومنین (علیه السلام) دعایی کرده‌اند که در آن اشاره به جونی می‌نمایند: ای خدای آسمان برافراشته، فضای نگاه داشته شده، که آن را زمینه پیدایش شب و روز و جریان گردش ماه و خورشید و مسیر آمد و شد ستارگان سیار قرار داده‌ای و جایگاه گروهی از فرشتگان ساختی که از عبادت تو خسته نمی‌گردند. (پایان خطبه ۱۷۱)

۱. امام علی (علیه السلام)، در این گفتار علمی به مراحل دقیق آفرینش اشاره کرده‌اند که خداوند بزرگ ابتدا هوا و سپس آب و آن گاه دیگر پدیده‌ها را آفرید. امروزه همه دانشمندان این حقیقت را قبول دارند که آب از اکسیژن و هیدروژن پدید آمده و آغاز آفرینش از هوا و توده‌ی بخار بوده است.

۲. (اعتقم: یعنی تند بادی که خشک و بی باران است)

۳. (اشاره به علم: سالوژی sea-logy (در باشناسی) و کیمیا تولوژی (kymatology) (موج شناسی)



■ انسان‌شناسی از دیدگاه امام خمینی

طاهره ماهرزاده
دانشجوی کارشناس علوم قرآن و حدیث

همیشه با سوالاتی در مورد انسان مواجه هستیم که منشأ انسان کجاست؟ تحول؟ هدف آفرینش؟ مسئولیت عهد و پیمان؟ از زمانی که خلقت و آفرینش انسان در زمین بوده در مذاهب و ادیان‌های گوناگون همواره انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته. در مورد شناخت انسان می‌توان گفت: شناخت استعدادها، توانایی‌ها، نهایت کمال و راه‌های رسیدن به سعادت و خوشبختی می‌باشد. واژه انسان در لغت از ماده انس به معنای قرب و نزدیکی می‌باشد. انسان را از انسان معنا کرده‌اند چون دوام و بقای انسان‌ها در کنار هم هست. واژه انسان در قرآن مجید ۶۵ بار به کار رفته. در مورد انسان شناسی انواع تعاریف‌هایی موجود است:

۱. انسان شناسی دینی یا وحیانی (انسان شناسی عقلی بر اساس متن دینی در مورد دوران قدیم و جدید کتاب مقدس و روایات معصومین می‌باشد).
۲. انسان شناسی فرهنگی (انسان شناسی بر فرهنگ بشری حاکم است که شامل باورها، ارزش‌ها و رفتارهای اعضای یک جامعه).
۳. انسان شناسی فلسفی (دنبال مفهوم، تصور، ماهیت، به‌عنوان ساختار بنیادین و تاریخی تلاش می‌کند کلیت انسان را به‌طور فلسفی مورد مطالعه قرار دهد).
۴. انسان شناسی طبیعی (با استفاده از یافته‌های تجربی دنبال تحقیق و بررسی در بعد دیرینه‌شناسی و زیست‌شناسی می‌باشد).
۵. انسان شناسی عرفانی (سیر و سلوک عرفانی در پی کشف معارف راجع به انسان پایگاه و مقام و منزلت می‌باشد).

انسان شناسی، مقدمه علوم انسانی و جهت دهنده تحقیقات اجتماعی است. انسان شناسی، دارای آثار فردی و اجتماعی می‌باشد.

امام خمینی (ره) در مورد انسان شناسی می‌فرماید: در قرآن آمده است که انسان را انسان کند. همچنین می‌فرماید: بهترین راه شناخت انسان روش دینی و وحیانی می‌باشد مهم‌ترین مباحث مربوط به فطرت انسان برگرفته از آیات قرآن می‌باشد (روم ۳۰). در انسان‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، قلب انسان به‌عنوان یکی از الطافات الهی می‌باشد. امیرالمومنین در مورد ماهیت و مفهوم انسان در نهج‌البلاغه بیان می‌کند که انسان برترین مخلوق و محور و خلاصه آفرینش الهی است.

انسان غایت و میوه خلقت است و در تمام مخلوقات در آسمان و زمین تنها انسان دارای بسیاری از ویژگی‌های ممتاز الهی است. انسان دارای دو بعد الهی و مادی است. برتری انسان نسبت به سایر موجودات به بعد الهی انسان برمی‌گردد. طبیعت و فطرت خدایی انسان مانند بذرهایی هست که در آغاز خلقت در وجود انسان ودیعه گذاشته شده است. هر انسان پاک از گناه به دنیا می‌آید و از حق آزادی برخوردار است به شرطی که حق دیگران را نقض کند. همه افراد بشر برادران نوعی یکدیگر هستند.

برتری یک فردی بر دیگری تنها بر اساس تقوا و وظیفه شناسی هست. صاحبان مکاتب فکر و اندیشه انسان را در قلمرو محدود و بسته معرفی می‌کنند که با عوامل جبری و محیط تاریخ و قوانین خودخواهی‌ها قالب‌گیری می‌شود و چند روزی در این دنیا به بازیگری مشغول می‌شود و با تحمل هزاران رنج و درد از صحنه خارج و رهسپار خاک می‌شود این نوع شناخت مورد متفکران و مکتب‌های آن می‌باشد؛ اما شناخت حضرت علی (ع) نقطه مقابل این طرز تفکر می‌باشد و انسان را محصول بازی طبیعت ناخودآگاه نمی‌داند، بلکه انسان را یک محصول جدی از یک کارگاه جدی که با مشیت بسیار والای آفرینش شروع به کار کرده است می‌داند. امام علی (ع) در مورد ضرورت شناخت خویشتن تاکید فراوان دارد (من عرف نفسه فقد عرف ربه: هر کس خود را شناخت قطعاً خدایش را شناخته است). انسان از منظر قرآن کریم و ترجمه علامه جعفری موجودی است. مرکب از جسم و روح که پس از مرگ جسم متلاشی می‌شود ولی روح او به حیات خود ادامه می‌دهد و مرگ انسان به معنای فتنای او نیست تا برپایی قیامت در عالم

برزخ زندگی می‌کند. قرآن در بیان مراتب آفرینش انسان آخرین مرحله آن بانفخ روح در قالب صورت می‌پذیرد با آیه (ثم انشأناه خلقاً آخر آن‌گاه او موجودی دیگری قرار دادیم).

روح انسان دارای هویت مجرد خواص و مختصاتی است که به هیچ وجه قابل تطبیق بر فعالیت‌های مغزی نیست و در عالم اجسام به وجود می‌آیند، روح انسان پذیرای سعادت و احساس کننده تکلیف در عوامل جبری و طبیعی و شبهه جبری انگیزه سودجویی و لذت‌گرایی است.

انسان موجودی است مختار و انتخاب‌گر و در پس قوه عقل اقدام به فعل و عمل می‌کند (انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا: راه را به انسان نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس).

بنابر گفته حضرت علی (ع) اساس زندگی انسان کرامت نفس می‌باشد هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری ناروامی باشد (ولا تکن عبد غیرک وقد جعلک الله حراً: بنده دیگری نباش، خدا تو را آزاد آفریده است).

انسان شناسی و اسلام شناسی با فهم نهج البلاغه می‌باشد.

(منابع انسانی شناسی در شرح نهج البلاغه علامه جعفری.)





■ صاحب‌امتیاز کوتاه در ارتباط با نهج البلاغه با دکتر نعمت‌اللهی

خدیدمهقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی (اعجاز)

خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۱_ نظر شیخ محمد عبده درباره‌ی نهج البلاغه چیست؟

این عالم بزرگ، مانند بسیاری از دانشوران جهان اسلام در میدان جاذبه‌ی عظمت، شگفتی و اعجاز نهج البلاغه درد و قلم و محتوا و ساختار قرار گرفته و در مقدمه شرح نهج البلاغه اظهار می‌دارد که: سخن امام علی (ع) بعد از قرآن و کلام نبوی، شریف‌ترین، بلیغ‌ترین و جامع‌ترین سخنان است. نهج البلاغه با مطالبی که دارد می‌تواند هدف‌های هر نویسنده و گوینده‌ای را تأمین کند. هیچ مقصودی از مقاصد عالی را در نظر نگرفته مگر اینکه حقیقت را به نحو اتم و کامل ادا کرده و هر اندیشه‌ی حقیقی را که در خاطر آمده با قدرتی مخصوص در لباس عبارت رسایان کرده است.

۲_ قلمروها و ابعاد اصلی مطالعه نهج البلاغه چیست؟

الف) خداشناسی ب) انسان‌شناسی ج) دین‌شناسی

د) قرآن‌شناسی ه) هستی‌شناسی خ) معرفت‌شناسی ع) تاریخ‌شناسی ق) ارزش‌شناسی ف) روان‌شناسی ی) جامعه‌شناسی ن) الگو‌شناسی ر) پیامبر و اهل بیت (ل) آخرت‌شناسی س) حقوق‌شناسی ش) تکلیف‌شناسی ص) آسیب‌شناسی ک) زندگی و مرگ‌شناسی ط) حکومت و مدیریت شناسی ص) اخلاق و عرفان شناسی

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین

۳_ خداشناسی در نهج البلاغه از چه سنجی است و ویژگی‌های آن چیست؟

الف) خداشناسی در نهج البلاغه از سنخ خداشناسی قرآن کریم است.

ب) خداشناسی در قرآن کریم و حیاتی، فطری، عقلی، علمی، و عرفانی است و با این پنج منبع مهم انسان را با خداوند مرتبط می‌کند و به مقام بندگی و تقرب هدایت می‌کند.

پ) در نهج البلاغه خداشناسی، خداگرایی و خدامحوری به ترتیب انسان را به معرفت، ایمان و پایبندی به عمل صالح و ارزش‌های اخلاقی می‌رساند.

ج) در نهج البلاغه شاخص‌های اصلی ارتباط با خداوند با محورهای ایمان، اخلاص، محبت، صبر، توکل، ذکر، تقوا، عبادت، عمل صالح، آخرت‌گرایی، بیم و امید، کسب رضایت خداوند، جهاد، ایثار، تکلیف‌گرایی، احسان، عدالت، یقین و معنادادن به زندگی انسان تحقق می‌یابد.

۴_ ویژگی‌های اصلی نهج البلاغه چیست؟

الف) وحی الهامی

ب) پس از قرآن کریم اولین، ارجمندترین و کامل‌ترین منبع فرهنگی ایمان معنویت اسلام و هدایت انسان است.

ج) از نظر زبانی و ادبی نهج البلاغه و از نظر محتوا و الگوهای عملی نهج السعاده و نهج الدایه است.

ث) منشور انسان‌سازی تربیت و شخصیت پروری است.

پ) پاسخگوی نیازهای اعتقادی، معرفتی، اخلاقی، اجتماعی، مدیریتی و سیاسی انسان در هر زمان و مکان است.

ه) معرفت‌ابعاد وجودی و شاخص‌های اصلی سعادت و کمال انسان است.

د) مترجم و مفسر مفاهیم اصلی قرآن کریم در سه قلمرو معرفت‌ایمان و عمل دینی است.

خ) پایگاه اصلی اثبات و تبیین پنج اصل اعتقادی، توحید و معاد و نبوت و امامت و عدل است.

ک) بهترین منبع شناخت عوامل اصلی سعادت و شقاوت انسان است

گ) چراغ و آئینه معرفتی فرصت‌ها و تهدیدهای زندگی انسان‌ها مسلمانان و پیروان راستین فرهنگ ولایت و امامت است.

ط) چشمه‌ی حیات بخش و پایان‌ناپذیر حکمت‌ها و سخنان جاذبه‌دار زیبا پایدار مفید و کاربردی است.

ظ) نهج البلاغه کتاب فرهنگ‌سازی دینی و شخصیت پروری معرفتی و تربیتی است که حکمت نظری و حکمت عملی را بر اساس آموزه‌های قرآن

به زیباترین روش تبیین می‌کند.



■ تربیت نفس از دیدگاه نهج البلاغه | مریم طاهری
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی (اعجاز)

نفس انسان همان ذات اوست که برگرفته از فطرت الهی است. امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزند خود امام حسن (ع) فرمودند: «همانا دل نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، آن را می پذیرد. از این رو، من پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت مشغول شود، به تأدیب و تربیت تو شتافتم.»

با توجه به این سخن گرانبها می توان به این نتیجه رسید که تربیت انسان همان تربیت نفس اوست که از سنین کودکی تا نوجوانی زمان طلایی آن محسوب می شود. هر فردی زمانی که تصمیم میگیرد پدر یا مادر شود، باید به این موضوع توجه کند که آیا می تواند یک کودک را به خوبی تربیت کند و یک جوان آراسته به جامعه تحویل دهد؟ پس طبق گفته امام علی (ع) که در حکمت ۳۵۹ نهج البلاغه فرمودند: «ای مردم! تربیت نفس های خود را به عهده گیرید و آن ها را از حریص بودن و ولع عادت هایشان باز دارید.» اسلام اندیشه ایی است الهی که غایت نهایی آن هدایت انسان به سوی پروردگار و آراستن خود به صفات و اخلاق الهی است، در نظام تربیتی اسلام از بشر خواسته شده همت خود را به قدر معین در راه خودسازی و تذکیه و تهذیب نفس به کار برد و در این راه هم از جهت عقلی و هم از لحاظ عملی و اخلاقی، در تغییر محیط خویش و ساختن و شکل دادن آن مطابق خواسته های خود اهتمام ورزد، هدف کلی تربیت و تعلیم در اسلام، پرورش نیروها و استعدادهایی است که آفریدگار جهان برای سعادت و کمال انسان، در وجود او قرار داده است. سیره زندگی امام علی (ع) و آموزه های عملی ایشان سرلوحه بسیاری از طالبان ریاضت و مراقبت نفس است، حضرت امیر (ع) نفس را قابل تربیت میدانند به این شرط که به خود وا گذاشته نشود و با ویژگی ها و قوای آن به انصاف رفتار شود، به همین خاطر هیچ شناختی به سودمندی شناخت نفس نیست چنانکه حضرت امیر (ع) در توصیف آن فرموده است: شناخت نفس سودمندترین شناخت هاست، شناخت انسان به ارزش های وجودی خود و استعداد درونی خویش و توانایی ها و امکانات نفس و مراتب وجود و نیز شناخت آفات نفس و عیوب خویش بهترین بستر برای اصلاح و تربیت است و تا این معرفت حاصل نشود سیر درست تربیت حاصل نمیگردد از این روست که معرفت نفس و شناخت خود برترین معرفت و والاترین حکمت هاست.

امام علی (ع) در خطبه ۳۲۷ نهج البلاغه می فرماید: «انسان باید نفس سرکش را بال گام آتقوا! مهار کند و افسار آن را در اختیار گیرد و به وسیله این لگام او را از معصیت خدا باز دارد و با این زمام به سوی اطاعت فرمان حق رهبری کند.» اگر نفس را کنترل نکنیم انسان را به پرتگاه های گناه می کشاند و از مسیر طاعت منحرف می کند. معمولاً برای مهار کردن مرکبهای سرکش از دو وسیله استفاده می شود: یکی «لجام» که طناب یا فلزی است که در دهان حیوان گذارده می شود و با طنابی بسته شده و در دست کسی که سوار مرکب است قرار می گیرد و «زمام» آن ریسمانی است که از سوراخی که در بینی حیوان است می گذرانند و به وسیله طنابی به دست سوار کار می دهند و از آنجایی که هم دهان حیوان و هم بینی حیوان جای حساسی است، با کشیدن این مهار می توان حیوان را از حرکت باز داشت و با کشیدن به یک سو می توان آن را به همان سو هدایت کرد.

تعبیر به «لجامها» و «زمامها» اشاره به این است که باید لجام و زمام مناسبی در خور نفس سرکش تهیه شود که هم بتوان به وسیله آن او را از گناهان باز داشت و هم به سوی طاعت پروردگار هدایت نمود. بسیاری از کسانی که نفس خود را به لجام و زمام نامناسب و سستی مهار می کنند و به هنگام هیجان شهوات این مهار از دست می رود و آلوده انواع گناهان می شوند. اما با چه وسیله ای می توان نفس را مهار زد؟ در سخنان دیگری که از امام علی (علیه السلام) در غرر الحکم و بحار الانوار نقل شده، پاسخ این سخن را می توان یافت. در حدیثی، امام «قناعت» را عامل اصلاح نفس می شمرد و می فرماید: «أَعُوذُ بِشَيْءٍ عَلَى صَلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةُ». در جای دیگر سخت گرفتن بر نفس را وسیله مهار او می شمرد و می فرماید: «إِذَا صَعِبَتْ عَلَيْكَ نَفْسُكَ فَاصْعَبْ لَهَا تَذَلُّ لَكَ»؛ (هنگامی که نفس بر تو سخت گیرد تو هم ادر طعام و استراحت و... ابر او سخت بگیر تا آرام تو شود». منابع (نهج البلاغه / غرر الحکم و درر الکلم / پیام امام امیر المومنین (علیه السلام))

علم و دانش



■ علم و دانش از دیدگاه امام علی علیه السلام | زهرا منظری توکلی کارشناسی علوم قرآن و حدیث

در بینش اسلامی، علم مقام والایی دارد و از آن ستایش بسیار شده است. علم با روشن کردن چراغ عقل انسان، او را از کج فهمی او کج روی ها باز می دارد. این سخن برگرفته از کلام شیوای امیر مؤمنان علی علیه السلام است که می فرماید: (الْعِلْمُ مُصْبِحُ الْعَقْلِ؛ علم چراغ عقل است). (لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا، وَيَقِينَكُمْ شُكًّا، إِذَا عِلْمُكُمْ فَاعْمَلُوا، وَإِذَا تَى قَنْتُمْ فَأَقْدِمُوا).

(نهج البلاغه، حکمت ۲۷۴، تاریخ ابن عساکر، ۱۲، ص ۱۹۲) دانش خود را نادانی و یقینتان را شک قرار ندهید، هرگاه دانستید، به دنبال عمل باشید و چون یقین پیدا کردید، اقدام نمایید. امام علی علیه السلام می فرماید: (زَكَاةُ الْعِلْمِ بِذَلِكَ لِمَسْتَحِقِّهِ وَإِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ: زکات دانش، آموزش به کسانی است که شایسته آناند و کوشش در عمل به آن است) (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱).

امام علی علیه السلام میفرماید: (مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مَوْ دِبْهَاخٌ قِي بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مَوْ دِبْهُمْ؛ کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آنکه دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموز شده و ادب آموز خود بیش از آموزگار و ادب آموز مردم، شایسته تجلیل است) (مشیر الاحزان، ص ۰۵)

امام علی علیه السلام: «يَا مُؤْمِنُ! إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ مَوْ الْأَدَبِ تَمَّ نَفْسِ كَفَاجْتَهْدِ فِي تَعَلُّ مَهَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِي تَمْنِكَ وَ قَدْرِكَ كَمَا نِ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَ بِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ...! ای مؤمن! این علم و ادب است که بهای وجودت؛ پس تلاش کن که این بهارها را به دست بیآوری و یادگیری؛ زیرا هر چه دانش و ادب تو بیشتر شود قدر و بهای وجودی تو افزایش پیدا می کند. با علم به سوی پروردگارت هدایت می شوی و با ادب می توانی را بطور پسندیده به خدایت خدمت نمایی (روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱).

6	5	4	3	2	1	
						1
						2
						3
						4
						5
						6
						7
						8

*افقی

- ۱_ کدام بعد از انسان با استفاده از یافته های تجربی دنبال تحقیق و بررسی در بعد دیرینه و زیست شناسی می باشد ؟
۵_ در خطبه اول نهج البلاغه به کدام علم اشاره شده است ؟

*عمودی

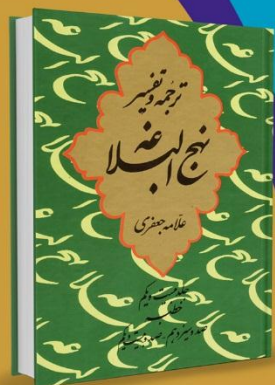
- ۱_ در خطبه ۱۶۵ حضرت علی (ع) بارداری کدام حیوان از طریق اشک را خرافه معرفی می کند ؟
۳_ از دیدگاه امام خمینی (ره) - - - - به عنوان یکی از الطافات الهیه می باشد ؟
۴_ از نظر امام علی (ع) بهای وجود انسان چیست ؟
۶_ انسان تا چه زمانی در برزخ زندگی می کند ؟
رمز جدول را پیدا کنید و جمله مربوط به آن را کامل کنید و به آیدی [@elmi_mt](mailto:elmi_mt) ارسال کنید

صاحب امتیاز: انجمن علمی رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده
علوم قرآنی شیراز
مدیر مسئول: نجمه صادقی دوست

سر دبیر: زهرا آیت

طراح: فاطمه حاجیان پور

ویراستار: فرشته محمدی



هئیت تحریریه: زهرا منظری توکلی،
زینب حاجیان پور، مریم سادات معینی
زهرا نصیری، فدیجه دهقان،
مریم طاهری، فاطمه شربتی

راه های ارتباطی:
(جهت ارسال انتقادات و
پیشنهادات شما مخاطبین گرامی)

☎ 09339670443

✉ @elmi_shiraz